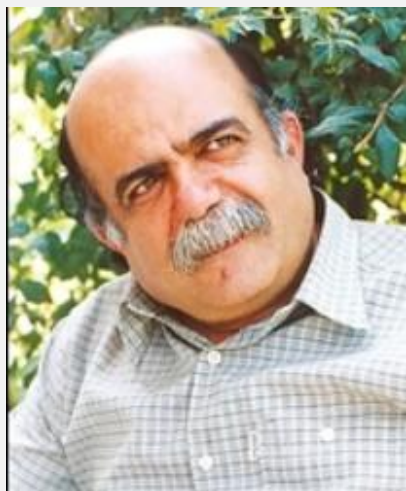


فرهنگ و تاریخ نوروز، درفش فرهنگ ایرانی

در آستانه نوروز به دیدار دکتر میرجلال‌الدین کزازی استاد دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهنده بزرگ شاهنامه فردوسی رفتیم و با اودراین باره گفت‌وگو کردیم.



سیدمحسن حسینی طاه‌ها: در آستانه نوروز به دیدار دکتر میرجلال‌الدین کزازی استاد دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهنده بزرگ شاهنامه فردوسی رفتیم و با اودراین باره گفت‌وگو کردیم.

ایرانیان از چه زمانی نوروز را جشن گرفته‌اند؟

کمابیش نوروز به دیرینگی تاریخ ایران است؛ بزرگ‌ترین یادگاری که از تاریخ ایران به جای مانده. هرچند همانند جشن نوروز در کشورهای دیگر هم (مانند آشور و بابل) با نام جشن بهار برگزار می‌شده است اما اگر نوروز حتی در بن نیز جشنی ایرانی نبوده باشد اندک‌اندک به جشن و آیینی یکسره ایرانی دگرگونی یافته است؛ آنچنان‌که می‌توان آن را برترین نشانه و نماد فرهنگ ایرانی دانست. نوروز درفش فرهنگ ایرانی است. در هر جای جهان که نشانی از نوروز هست، ما ایرانیان می‌توانیم دل‌آسوده باشیم که فرهنگ ایران تا بدانجا گسترش یافته است.

درباره فلسفه هفت‌سین به ما بگویید و اینکه این سنت دیرینه از چه زمانی شکل گرفته است؟

از دید نمادشناسی و باورشناسی می‌توان بر آن بود که سنت هفت‌سین پیشینه‌ای بسیار کهن‌تر در ایران زمین دارد. هرکدام از این سین‌های هفت‌گانه نمادی است که با باوری باریک و اندیشه‌ای نغز گوشه‌ای از این جهان‌شناختی را آشکار می‌دارد. پاره‌ای از این نمادها با روشنایی و خورشید در پیوند است؛ به‌گونه‌ای می‌توان گفت نمادهای مهری است. من به یک نمونه بسنده می‌کنم؛ سیب یکی از نمادهای هفت‌سین است؛ سیب شناور در کاسه پر آب. سیب در گونه نژاده و ایرانی خود سرخ است یا آمیزه‌ای از دو رنگ سرخ و سپید است؛ دو رنگ بنیادین خورشید. این سیب یادآور خورشید است که در آسمان می‌گردد و از یکی از خانه‌های دوازده‌گان به خانه‌ای دیگر راه می‌برد.

آیا ایرانیان عناصری از هفت‌سین را از دیگر ملل وام گرفته‌اند؟

پاسخی روشن به این پرسش نمی‌توان داد. تا آنجا که من می‌دانم نمادهای هفت‌سین به باورهای ناب ایرانی برمی‌گردد. اما اینکه گفته شده هفت‌سین در آغاز هفت‌شین بوده چندان پایور و پذیرفتنی نیست زیرا واژگانی که در آن هفت‌شین برشمرده می‌شود همه پارسی و ایرانی نیست. واژه‌ها چندان ارزشی ندارند چراکه در درازنای زمان می‌توانند دچار دگرگونی شوند. آنچه نژادگی این نمادها را معلوم می‌دارد چگونگی و کارکرد باورشناختی آنهاست که ریشه در باورهای باستانی و آیینی ایرانی دارد.

درباره تعدادشان بفرمایید؛ چرا هفت سین؟ مثلاً چرا شش یا هشت سین نیست؟

پاسخ به این پرسش کمابیش روشن است زیرا $7;171\#$ عددی است آیینی. از دید نمادشناسی، نماد رازآلود سرآمدگی و بوندگی (کمال) است زیرا 7 از $2;171\#$ و $4;171\#$ ساخته شده است که در باورهای باستانی، جهان بر این دو استوار است. $171\#$ یک، نماد خداوند است؛ یگانگی و یکتایی. $2;171\#$، نماد جهان جز خداست. ویژگی بنیادین و ساختاری گیتی دوگانگی است. هر پدیده در گیتی ناسازی در برابر خود دارد؛ روز و شب، جان و تن، خوبی و بدی و... گیتی از آمیختن ناسازها پدید آمده است. 2 نشانه ساختاری و درونی گیتی است. 3 و 4 این دوگانگی را آشکارتر می‌سازد؛ یکی نشانه نرینگی یا نیروهای کارا و دیگری نشانه مادینگی یا نیروهای کارپذیر است. 5 و 6 کارکردی ویژه از دید نمادشناختی ندارند و می‌توان گفت گسترش همین 3 و 4 هستند چون با پیوند این دو، نمادهای گوناگون آفرینش پدیدار می‌شوند. سرانجام می‌رسیم به عدد 7. می‌بینیم که در عدد 7، یک 3 و یک 4 نهفته است؛ بی‌هیچ فزود و کاست؛ از این‌رو نماد رازآلود سرآمدگی و بوندگی (کمال) است. ما این ویژگی را جز عدد 7 در 12 می‌بینیم. 12 هم از $3\#171\#$ چهار یا $4\#171\#$ سه تشکیل شده است. شما هر عدد دیگر را بنگرید چنین ویژگی را در آن نمی‌یابید. مثال، 5 از 2 و 3 و 6 از 4 و 2 تشکیل شده است.

صور آیین‌های نوروز در ادوار مختلف تاریخی چگونه بوده است؟

در این چند سده دگرگونی بنیادین و اساسی در آیین‌های نوروزی رخ نداده و آنچه می‌توان گفت در پیوند است با جامعه‌شناسی نوروز؛ این است که نوروز اندک‌اندک از جشنی فراگیر و اجتماعی به جشنی خانوادگی دگرگون شده است.